



خون بهاک امنیت



براساس زندگی نامه سیدروح الله عجمیان فرزند لرستان
مدافع امنیت البرز

نویسندگان

سید علی نادر دهقانی

عضو هیات علم، جناب دانشگاهی لرستان

سید بهرام عجمیان

سید علی عجمیان



انتشارات هاویر

۱۴۰۳

سرشناسه	دِهقانی، سیدعلی نادر، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور	۱ خون‌بهای امنیت ۱ براساس زندگی‌نامه شهید سیدروح‌اله عجمیان فرزند لریستان، مدافع امنیت البرز نویسندگان: سیدعلی نادر دهقانی، سیده زهرا عجمیان، سید علی عجمیان ۱ خرم‌آباد: انتشارات هاویر، ۱۴۰۲
مشخصات نشر	۱۶۸ ص مصور
مشخصات ظاهری	ISBN: 978- 622 -8341-29-3
شابک	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :
عنوان دیگر	زندگی‌نامه شهید سیدروح‌اله عجمیان فرزند لریستان، مدافع امنیت البرز
موضوع	شهید روح‌الله عجمیان ۱۳۷۲-۱۴۰۱
موضوع	شهیدان مسلمان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات Muslim martyrs -- Iran -- *Survivors -- Diaries شهیدان مسلمان -- ایران -- سرگزشت‌نامه Muslim martyrs -- Iran -- Biography
موضوع	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -- اعتراض‌ها، ۱۴۰۱ Iran-- History-- Islamic Republic1979-- Protests, 2022 عجمیان، سیده زهرا، ۱۳۶۲، نویسنده عجمیان، سیدعلی ۱۳۶۶، نویسنده DSR۱۶۶۸۱ ۹۵۵ / ۰۰۰۰۲۱ ۹۷۸۷۳۱
شناسه افزوده	
شناسه افزوده	
رده‌بندی دیویی	
رده‌بندی کنگره	
شماره کتاب‌شناسی ملی	



انتشارات هاویر

خون‌بهای امنیت

براساس زندگی‌نامه شهید سیدروح‌اله عجمیان فرزند لریستان، مدافع امنیت البرز

نویسندگان: سیدعلی نادر دهقانی، سیده زهرا عجمیان، سیدعلی عجمیان

ناشر: انتشارات هاویر، همراه ۰۴۰۶-۹۱۶۹۷۰۰۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳

مدیر تولید: سهمیه اسدزاده صفحه‌آرایی: زهره ندری طرح جلد: سمیرا حصاربانی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۴۱-۲۹-۳

بها: ۲۵۰ هزار تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

Instagram:Havir.pub Email:info@havirpub.ir

فهرست

صفحه	عنوان
۹	پیش‌گفتار
۲۷	مقدمه
۳۳	تعاریف و مفهوم امنیت
۴۱	ضرورت‌های استقرار امنیت
۴۴	امنیت در قرآن
۴۸	امنیت در نهج البلاغه
۵۲	امنیت در روایات اسلام
۵۶	امنیت در کلام امام خمینی
۶۲	امنیت از منظر مقام معظم رهبری
۶۹	گفتمان‌های امنیت اجتماعی
۷۴	ارزش و بهای امنیت
۸۲	خون؛ بهای امنیت
۸۶	شهید سیدروح‌الله؛ از کوه‌دشت تا کمالشهر
۹۳	ویژگی‌های فردی شهید سیدروح‌الله عجمیان
۱۲۰	آرمان‌های روح‌الله
۱۲۴	سیدروح‌الله در کلام مقام معظم رهبری
۱۲۸	دستاوردهای شهادت سیدروح‌الله
۱۲۹	ناگفته‌هایی از زبان دوستان سیدروح‌الله

- ۱۳۲ شهید سیدروح الله عجمیان در بیان پدر و مادر
- ۱۳۵ خاطره‌هایی از شهید سیدروح الله
- ۱۳۹ خواب دیدن یکی از اقوام شهید روح الله
- ۱۴۰ شبیه روضه‌ها
- روایت روزنامه کیهان از شهادت شهید عجمیان و
- ۱۵۱ اظهارات دونفر از متهمین
- مروری بر پرونده قاتلین شهید عجمیان در سیستم
- ۱۷۶ قضایی
- ۱۹۰ اشعار به موضوع شهید سیدروح الله عجمیان
- ۱۹۷ منابع

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران در شرایطی به پیروزی رسید که حکومتی دارای تشکیلات، تجهیزات و پشتوانه‌های بین‌المللی بر این کشور حاکم بود و رسانه‌های وقت داخل و خارج کشور با تمجید از شخص شاهنشاه، آن را ژاندارم منطقه و قدرت برتر خاورمیانه به لحاظ داشتن تجهیزات نظامی معرفی می‌کردند. در چنین فضایی شخصیتی از یک خانواده متوسط، با توکل بر قدرت لایزال الهی و بدون مانع‌نظر و واهمه و با تأسی از جسارت و شجاعت پدر بزرگوارشان که دانش‌آموخته مکتب امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب^(ع) است، به افشاگری خیانت‌های این خاندان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میزان وابستگی کشور - که نتیجه آن نابود کردن سرمایه‌های این ملت و غارت منابع محیطی و انسانی بود - می‌پردازد و ملت را به بیداری در برابر خیانت‌ها و هوشیاری در مقابل شیوه‌های حکمرانی دعوت می‌کند.

تنها سلاح این سلاله پاک رسول اکرم (ص) تسبیح، ذکر و صداقت بود و ملت بزرگ ایران و بسیاری از ملت‌های آزاده و شیفته عدالت و آزادی و استقلال را برای نجات از این شرایط به حرکت عظیمی وا داشت که نتیجه نهایی آن پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی با رهبری حکیمانه و مدبرانه حضرت امام خمینی^(ره) و جانفشانی و ایثارگری ملتی بود که شیفته عدالت و استقلال بوده و به فضل الهی در همین مسیر، استوار چون «سایه‌ها»، شکوهمند چون «اشترانکوه» و با اصالت چون «شیراز» خواهد ماند.

در این مسیر خسارت‌های زیادی به این کشور و بسیاری از زیرساخت‌های آن وارد، و جوانان و توده‌های مختلف مردم با فجیع‌ترین وضع ممکن به شهادت رسیدند؛ اما مسیر و مأموریت اصلی که نجات کشور از یوغ استعمار جهانی به نمایندگی حکومت پهلوی و استقرار حکومت مردمی با تبعیت از نظام حکمرانی مشروح در قرآن کریم بود چنان در جان پاک و بی‌آلایش این ملت نستوه و نجیب نهادینه شده بود که هر قطره خون به ناحق ریخته شده مردم باعث تنومندی درخت شکوهمندی می‌شد که تحقق آن را رهبری مبارز با لهجه‌ای ساده؛ اما کلامی نافذ برگرفته از شریعت اسلام و مکتب شیعه

تشریح، و ملت نیز با آگاهی و درس‌گیری از تجارب تاریخی به این مسیر ایمان و اعتقاد راسخ پیدا کرده بودند.

با به نتیجه رسیدن مبارزات و سرنگونی حکومت شاهنشاهی انتظار می‌رفت جامعه جهانی با احترام به خواست ملتی که سابقه درخشان تمدنی دارد با به رسمیت شناختن نظام اسلامی بر اساس منشورهایی که در سازمان‌های "خودبنیان" نگارش شده بود در مسیر تحقق آرمان‌های آن تلاش کنند اما مسیر سخت و پرمشغله را فراروی ملت ایران قرار داده و مهره "خودرویش داده" دیگری به نام صدام را برای حمله نظامی به خاک ریزان این اجیر کرده و با همه توان سیاسی-رسانه‌ای و مجهزترین تجهیزات نظامی، حکومت نوبنیاد و بدون فرصت برای سازماندهی لازم، بدون نیروی نظامی وفادار و متعهد برای امنیت داخلی و ایستادگی در مقابل تهاجم‌های خارجی، بدون کمترین دشمن جنگ‌های نظامی در این وسعت را مورد تهاجم قرار دادند.

بر اساس اسناد موجود در سازمان‌های بین‌المللی، در طول ۸ سال دفاع جانانه، شجاعانه و مقدس ملت ایران حداقل ۴۰ کشور به جبهه دشمن نیرو اعزام کرده و انواع سلاح‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی را رایگان! در اختیار دشمن که با

محاسبه غلط از این ملت، سودای فتح تهران در ۴۸ ساعت را داشت، قرار دادند.

بی‌خبر از آنکه تاریخ گواهی داده است ملت ایران خاک این کشور را چون ناموس خود عزیز می‌دارد و جان گرانسنگ خود را برای پاسداشت آن ناقابل می‌داند، ضمن اینکه سکان این حرکت به دست فردی است که با ذکر خداوند رحمان و توسل به عنایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سر بر بالین گذاشته و با همان شیوه بی‌استعدادی به رجز خوانی‌های مرسوم گرگ‌های به انتظار نشسته "خود همه چیزدان" و "خود اقیانوس‌خوان"‌های کم‌عمق و قدرت‌پوشالی‌آلود که نتیجه بیدادها و دست‌درازی‌ها به منابع و دارایی‌ها، دیگر ملت‌هاست، بیدار می‌شود و هیچ قدرتی را طبق آموزه‌های قرآن و با درس گرفتن از سیره علوی از قدرت لایزال الهی برتر و قابل محاسبه و برآورد نمی‌داند.

همین اعتقاد و ایثارگری که در وجود این ملت نهاده شده بود باعث شد تا در این جنگ ویرانگر، هم پیروزی در میدان رزم حاصل شود، هم مسیرهای جدیدی برای خودکفایی کشور با سخت‌کوشی و شکوفایی استعدادها و مهارت‌های ایرانی باز شود، هم حقانیت و صداقت این ملت اثبات شود و هم

بسیاری از درنده‌خوی‌های دشمنان این ملت برای جامعه جهانی و ملت‌های آزاده ثابت شود که نمونه آن بمباران شیمیایی مردم کرد و شهادت بسیاری از زنان و کودکان بی‌دفاع شلمچه بود که جرمشان و گناه نابخشودنی آنان سکونت در این کشور و همراهی و انسجام و اتحاد در مبارزه با دشمن تا دندان مسلح بود!



جنگ تحمیلی با افتخار و سربلندی ملت ایران به اتمام رسید ولی خوی استکباری همچنان در اندیشه برای ضربه‌زدن‌ها و انحراف از مسیری بود که ریشه در سیره پیامبر رحمت و مهرورزی داشت؛ بنابراین مسیرهای دیگری برای متوقف کردن حرکت الهی ملت ایران آغاز شد. تهاجم فرهنگی، جنگ

اقتصادی، تحریم‌ها، ایجاد جو رسانه‌ای سنگین با هدف بدبین کردن مردم به حاکمیت و نمایش چهره خشن بی‌رحم و بدون رعایت معاهدات بین‌المللی در تعامل با شهروندان و دیگر کشورها و ملت‌ها.

با اجیر کردن بله قربانگوهای دیگری که تنها افتخارشان در خاورمیانه رسیدن با رؤسای جمهور کشورهایی بود که خود را کدخدا و دیکتان را نوکر، زیردست و برده می‌دانستند این جو سنگین را با پشتوانی مالی و غارت نفت و با ایجاد زیرساخت‌های به روز رسانه‌ای، تا جایی ایجاد و تقویت کردند که گاهی خودشان نسبت به فعالیت آنها احساس خطر کرده و الحمدلله امروز در این باتلاق‌ها گرفتار شده و با دست خود قبر خود، هم پیمانان و نظام سیاسی خود را کنده و به زودی به اذن یزدان پاک و با دستان عدالت خواهان مظلوم به زباله‌دان تاریخ خواهند پیوست.



همین راهبرد که در ظاهر نتایج مثبتی در راستای اهداف شوم طراحان آن داشت ادامه یافت و با ایجاد ناآرامی و یأس در مردم ایران و ارائه تفسیرهایی از ناتوانی حکومت های اسلامی در مدیریت کشورها، با تشکیل گروه جلاد داعش به کشور همسایه (سوریه) که سابقه همراهی با آرمان های امام و ملت ایران را داشت، حمله کرده و آن را به ویرانه های تبدیل کردند. فجیع ترین بخش این سناریو حمله به اماکن تاریخی و مذهبی

بویژه حرم حضرت زینب^(س) بود که دل ملت‌های آزاده و مسلمان را خون کرده بود. نتیجه این سناریو نیز به لطف خداوند متعال، اتحاد و همصدایی و انسجام برای مبارزه با این گروه جلاد، واعلام انزجار بسیاری از ملت‌های آزاده از این گروه بی‌شناسنامه، بی‌ریشه ولی تا دندان مسلحی بود که بوی تعفن لحاح کلامشان گویای لقمه حرامی بود که از دست نامبارک اربابان بی‌مروت خود گرفته بودند و با ظاهری موجه و اسلامی در حال پخش و پراکنش عقده‌های اربابان خوک‌صفت خود بودند؛ بی‌خبر از آنکه همدیگر، از تبار قوم شجاع لر و درس‌آموز از اصالت سرزمین بزرگ کرمان در آید، که به مقتدا و رهبر خود با سازماندهی و بسیج جوانان کشورهای اسلامی که سلاح‌هایشان نتیجه خلاقیت و دانش صد درصدی جوانان برومند، فرزانه و دانشگاهی سرزمین باستان ایران است به تنهایی کافاست تا تمام نقشه‌های شوم آنان را، برملا و پایان این گروه‌های شبه‌نظامی بی‌شناسنامه و کدخدا ساخته را، با تقدیم خون پاک خود و متلاشی کردن جسم اعلام نمایند؛ و این قصه دردناک به انحاء مختلف ادامه داشت تا اینکه به بهانه تورم و گرانی و شل کردن کیسه‌های پر از دینار گاوهای شیرده خاورمیانه، خط نفاق را ادامه دادند که نتیجه آن

اعتراضات تابستان ۱۴۰۱ در این کشور ستمدیده و بر این ملت نستوه و با نجابت بود.



در این بازی جدید نیز، علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های سنگین رسانه‌ای و نظامی و سیاسی به لطف خون‌های پاک علی‌وردی‌ها و عجمیان‌ها تمام نقشه‌های شاه‌زادان بی‌نتیجه و روسپاهی به آنانی ماند که بدون

شناخت از بهای داده شده ملت ایران برای امنیت، در ساز دشمن دمیدن و بر کارنامه نگین خود چند سطر دیگری را اضافه کردند.

بدون شک این خط و این مسیر با شیوه‌های دیگری ادامه خواهد داشت و آنچه بر ملت با تمدن ایران لازم است پیگیری همه مطالباتی است که در یکصد سال اخیر برای آن جانفشانی کرده است و آن حق تعیین سر نوشت توسط مردم و استقرار نظام اجرایی تکنوکرات و نظام سیاسی مردم‌سالار دینی است.

بسیاری از اقشار مردم عزیز ایران از شرایط موجود انتقاداتی دارند و به تعبیر آقای خزایی - شاعر خوش‌ذوق کنگاوری - معترضند. اما راه اعتراض تخریب اموال عمومی، کشتن برادران و خواهران خود و دمیدن بر ساز تفرقه نیست. در شرایط کنونی ایران عزیز ما راه درست اعتراض، آگاهی بخشی منصفانه و مشارکت - حضور متعهدانه در پای صندوق رأی و انتخاب بهترین مسررها برای بهتر شدن شرایط این کشور متمدن و با اصالت است.

آنچه بر مسئولین کشور نیز ضروری و لازم است تلاش بی‌منت و شبانه‌روزی برای حل مشکلات فراروی این ملت بزرگ و با نجابت در ابعاد مختلف به ویژه حوزه‌های اقتصادی است. همه مسئولین باید بدانند که، این مسئولیت‌ها امانت خداوند است و دینی است از آحاد مردم، و تدبیر برای مسئول شدن بدون داشتن توانایی و شایستگی لازم حیات به اسلام، قرآن، شهداء و همه ملت‌های امیدوار به این نظام به ویژه مردم عزیز و بزرگ ایران است. آنانی که با خود بزرگ‌بینی، با غرور، با انواع بی‌اخلاقی‌ها و تهمت‌ها و حذف کردن‌ها، زمین و زمان را با انواع ترفندها برای مدیر شدن در هر سطحی بهم می‌دوزند و پیش قدم می‌شوند، بدانند و آگاه باشد که برای هر صندلی

که مسئولان ارشد کشوری و استانی بر آن تکیه زده‌اند، یک کربلا به پا شده است و چه بد مردمانی هستند اگر بر آن کرسی‌ها تکیه بزنند و یادشان برود که پایه‌های میز و صندلی‌هایشان سرخ رنگ است و برای همان صندلی که بر آن نشسته‌اند، ۷۲ نفر به خونشان غلتیده‌اند و اکنون در زیر خاک‌اند و باز بدانند که برای هر لحظه از دوران مسئولیت‌ها، در دنیا و آخرت مورد سؤال این ملت خواهند بود و مدیون قطره قطره خون آسمانی هستند که در مسیر مبارزه برای همین بی‌اخلاقی‌ها در طول تاریخ پرفراز و نشیب ولی با افتخار این کشو، جان خود را فدا کردند.

در حادثه شهادت سیدروح‌الله عجمیان جوان ۲۷ ساله اهل کوه‌دشت لرستان و ساکن کمالشهر کرمان، سه عامل را آمران و عاملان این این تراژدی غمناک می‌توان برشمارد که شامل رانده شده‌ها بر منابع ملی این کشور و حامیان آنهاست که امام راحل عظیم‌الشان رأس آنها را آمریکا (شیطان بزرگ) و مابقی را دست‌نشانده‌های آنها می‌دانست؛ گروه دوم گاوهای شیرده تازه به دوران رسیده‌ای هستند که بوی دلارهای ناشی از فروش نفت خام!، آنها را مدھوش کرده و برای ضربه زدن به ملت با اصالتی که دارای ارزش‌های بی‌شمار سرزمینی و فرهنگی است،

همیشه دست به جیب بوده و خواهند بود، غافل از اینکه عمر مدنیت همه آنها روی هم رفته به قدمت آفتابه‌های مفرغی ۲۶۰۰ ساله بخش‌هایی از سرزمین باستانی ایران نیست. گروه سوم نیز بخش‌های ناکارآمد ساختار برنامه‌ریزی و اجرایی داخل کشور است که نتوانسته است با آمایش دقیق سرزمین و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های این کشور چه در حوزه منابع خدادادی به منابع انسانی توسعه متوازن را باعث شده و افق‌های مشخص را ترسیم و فراروی ملتی که برای استقرار این نظام هزینه‌های زیادی داده و می‌دهد، قرار داده و موجبات نارضایتی را فراهم نموده است.

با فرض اینکه از این سه عامل ۶۹ درصد را به دو عامل اول اختصاص دهیم باز هم تاثیر یک درصد باقیمانده به میزانی خواهد بود که امید به آینده‌ای روشن را برای اتحاد جامعه با ابهاماتی مواجه نماید، و ذهن مردم را درگیر خود کند.

بر اساس اعلام رسمی سازمان ثبت احوال (۱۴۰۲) هشتاد و پنج میلیون و پانصد هزار نفر در این کشور زندگی می‌کنند. اگر اخبار ناخوشایند در حوزه‌هایی چون اختلاس‌های مکرر بیخ گوش نهادهای متولی مبارزه با فساد، جرائم ناشی از فقر، آمار غیر معمول تصادفات رانندگی، حاشیه‌نشینی، تورم افسار

گسیخته و موضوعات مشابه را فقط ده درصد این جمعیت دنبال کرده و نسبت به این مسائل عصبانی باشند حدود هشت و نیم میلیون نفر و به اندازه جمعیت چندین کشور اطراف ایران از شرایط مدیریتی موجود، گلایه داشته و انتقاداتی دارند.

درد بزرگتر این است که هر جریان فکری و سیاسی هم که حاکم می‌شود نصف دوران سیستم عریض الطویل اجرایی خود را با توجیه و غیبه‌های ضد و نقیض متوجه تیم‌های قبلی کرده و نصف دیگر را مترجم دشمنانی که کار و زندگی و زمامداری خود را رها کرده و تمام هم و غم خود را "ناکامی برنامه‌های هیچ کس ندیده و نخوانده این بزرواران" می‌نماید!

در چنین شرایطی جوانان همسایه سیدروح الله که با ارادت به این آب و خاک، نظرات متفاوتی ممکن است داشته باشند حق دارند برای شنیدن پاسخ‌های روشن از این ناهنجاری‌ها، صدای خود را بالا برده و این اشکالات موجود در سیستم‌های مدیریتی را گوشزد کنند. بدیهی است اگر اهتمامی برای گفتگوی ملی با محوریت این جامعه در رسانه‌ای که ملی است - نه تربیون افراد و جریان‌های خاص - ایجاد شود چه بسا هیچگاه این انتقادهای به خشونت در این حجم که باعث

خسارت‌های بی‌شمار ملی و بین‌المللی و تخریب اموال و سرمایه‌های این ملت است منجر نشده، و نقشه‌های دو عامل اول که در دشمنی با ارزش‌های این ملت هم قسم شده‌اند، نقش برآب شود.

البته ملتی که بر خلاف نظر کدخدا و بی‌توجه به خواست اوست، همواره در معرض آسیب است ولی شجاعت و بصیرت ملتی که راست‌قامتی و ارادت سرزمینی لالایی مادرشان بوده و هست، خسارت ناشی از این آسیب‌ها را به حداقل می‌رساند، به شرطی که عده‌ای دانسته یا ندانسته، توانایی حرس درخت امیدآفرین انتداب این ملت بزرگ را ندارند حداقل تبر! بر تنه نجیف سرمایه اجتماعی آن نزنند و نسبت به انجام وظایف خود، متعهد باشند؛ و بدانند که دست‌ترین بی‌تعهدی‌ها در اداره کشور توسط سیستم‌های تصمیم‌گیری، قضایی و اجرایی، حداکثر خسارت را به تعلق و انسجام و اعتماد اجتماعی وارد خواهد کرد.

بررسی شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی نشان می‌دهد تلاش‌ها برای پیشرفت همه‌جانبه و پایدار کشور بزرگی چون ایران، با این همه منابع خدادادی، متناسب با خواست

مردم، ضرورت‌ها و اقتضای امروز برای رفع چالش‌های موجود نیست.

چرا در این کشور با این همه سرمایه و منابع و نیروهای انسانی خلاق و باهوش باید تعداد زیادی از مردم زیر خط فقر زندگی کرده و از حداقل‌های زندگی محروم باشند؟

چرا باید بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی این کشور تعطیل شده و غیر فعال باشند؟

چرا برای مهاجرت جوانان و نخبگان این کشور طرح جامعی تدوین و عملیاتی نشده است؟

تا کی باید بساط "مدیریت هیأتی" بر بخش‌هایی از این کشور حاکم، و بی‌حساب و کتاب به داشته‌های این مملکت خسارت وارد شود؟

چرا نباید احزاب شناسنامه‌دار، پاسخگو و فراگیر در این کشور ایجاد و برای تشکیل دولت به‌جای داستان سرایی، برنامه کاری مشخص ارائه گردد؟

این‌ها بخشی از دردهایی است که بدون تعارف نتیجه انتصاب‌های قبیله‌ای و غیر تخصصی در مجموعه‌های اجرایی کشور است. توصیه می‌شود برنامه محوری، تکنوکراسی، شایسته‌سالاری و ارزیابی دقیق عملکرد تمام کسانی که در این

کشور از رئیس‌جمهور تا پایین‌ترین سطوح مدیریت نقشی را پذیرفته‌اند، توسط نهادهای علمی-پژوهشی شناسنامه‌دار، رسانه‌های جسور و مستقل و عدالتخواه در دستور کار قرار گیرد و میزپرستان بی‌خاصیت و بی‌تخصص و ناتوانی که با توصیه و سفارش عمه و خاله بر بخش‌هایی از این کشور چنگ انداخته‌اند و آن را میراث پدری و طایفه‌ای خود و رفقاییشان می‌دانند را بدون ملاحظه به ملت معرفی و با مراجعه به متخصصین و دانش‌مندان متعهد - که در این کشور بزرگ کم نیستند - چالش‌های جاری، پیشرفت این کشور را هموار کرده در غیر این صورت بدون شک مدیون خون شهید "سیدروح‌الله" ها بوده و در لشکر دشمنان قسم خورده این ملت، بر ریشه‌های تمدن پر افتخار ایران و آرمان‌های انقلاب اسلامی تیشه می‌زنند.

بیان این گلایه‌های به حق به منزله نادیده گرفتن پیشرفت‌های کشور نیست. ایران کشوری است که از آغاز سده جاری در تصرف استبداد و استکبار بوده است و ۲۸ مردادهای سال ۱۳۳۲ را فراوان به خود دیده است.



امروز همین کشور به طیف خداوند متعال در بسیاری از شاخص‌ها در رتبه‌های برتر جهانی است از جمله در تولید علم و فناوری به ویژه در ابعاد پزشکی و سلول درمانی، نانوتکنولوژی، تکنولوژی ساخت و پرتاب ماهواره و حوزه‌های نظامی؛ اما این‌ها در برابر ایتارگری جوان با غیرت و بصیر لرستانی شهید والامقام سید روح‌الله عجمیان که بهای امنیت را با خون خود در نمایشی ماندگار مانند صحنه عاشورا پرداخته است بسیار ناچیز است و لازم است تا با دعوت عمومی از دلسوزان در داخل و خارج از کشور و گذشتن از اختلافات سیاسی - مدیریتی، - که تاکنون نتیجۀای برای این کشور و

مردم نجیب و نامدار آن نداشته است- و آمایش سرزمین و بسیج منابع با مشارکت مردم و همراهی رسانه‌ها و ایجاد نظام ارزیابی عملکرد قابل استناد و نظام‌مند برای تقویت اعتماد عمومی مردم تلاش کرده و آینده‌ای سرشار از امیدواری و خرسندی را فراروی این ملت گرانقدر و نسل‌های آینده که سرمایه اصلی این سرزمین و محق در تمام منابع آن هستند، قرار داد.

با احترام

سیدعلی‌نادر دهقانی الوار

www.ketab.ir

مقدمه

سیدروح الله عجمیان از سادات ضرونی (ذالنوری) کوهدشت لرستان، جوان خودباوری بود که براساس گفتمان حاکم بر کشور به جست‌گیری خودکفایی و استقلال، با ایثارگری، شهامت و استوار و با ایمان به درستی مسیر، جان خود را در راه هدفی که در دریافت آن به بقا رسیده بود نثار کرد.

ایمان به هدف و یقین در رهش‌های دستیابی به آن از انسان، فردی مصمم و مستحکم می‌سازد.

جامعه ما نیازمند استقرار چنین بینشی است که شامل "شناخت دقیق، ایمان به هدف و استوار و پیمایش مسیر" است.

اگر در حوزه مدیریت منابع و دستاوردها، علم و فناوری، توسعه دانش‌بنیان و توسعه پایدار و باثبات کشور، تعاملات ملی و بین‌المللی، سبک زندگی، حوزه های فرهنگی- اجتماعی، نظام آموزشی و غیره با چالش‌هایی مواجه هستیم؛ که هستیم، باید به عنوان زیربنایی‌ترین دلیل به اندازه‌گیری عمق دریافت و

درک درست از موقعیت و یقین متولیان در انجام وظایف بر عهده گرفته آنها پرداخت.



اگر با داده‌های علمی-منطقی نسبت به موضوعی شناخت دقیق حاصل شود راهبردهای تخصصی دستیابی به همه آرمان‌های آن نیز قابل استخراج خواهدبودنه نتیجه آن بهبود فرایندها با کمترین نوسان است، در غیر این صورت دچار روزمرگی‌ها خواهیم شد و به هیچ عنوان نمی‌توان آینده‌ای امیدبخش را در چنین نگرشی متصور شد.

سیدروح‌الله عجمیان در آنچه بر اساس مقتضیات، ظرفیت‌های فردی- خانوادگی و نظام تربیتی حاکم، دریافت کرده بود، به یقین رسیده بود و بی محابا آماده شد تا بالاترین بهاء را در این مسیر پرداخت کند.

شاید الزام‌آورترین و ضروری‌ترین برنامه در شرایط کنونی کشور، معرفی بر زیربناهای فکری- عقیدتی چنین تفکری است تا بتوان بر اساس آن دست به سازماندهی برای تحقق آرمان‌های این ملت بزرگ، نجیب و با هویت زد، که برونداد آن می‌تواند به اصلاح بسیاری از موانع سازمان یافته رسمی و غیررسمی در مسیر پیشرفت در ایجاد مختلف منجر شود.

سیدروح‌الله به تعبیر تمام معظم رهبری "جوان ناشناخته‌ای" است که بدون توجه به نابلایمات رفته بر خود، خانواده و اطرافیان هر آنچه که تعهد و مسئولیت اجتماعی بر دوشش نهاده است را در حد مقدور و توان، ولی با اعتقاد انجام می‌دهد. در همه فراخوان‌های رسمی و غیر رسمی در راستای پاسداشت منافع ملی و ارزش‌های ملی و فراملی در حد توان مشارکت می‌کند چه این فراخوان خدمت در مناطق محروم باشد تا خادمی گروه‌های جهادی یا فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی یا اعلام آمادگی برای حضور در عرصه‌های نظامی و

دفاع از آب و خاک این کشور باستانی و عزیز؛ یا اعلام آمادگی برای دفاع از حرم حضرت زینب^(س) و مبارزه با گروه بی‌هویت داعش که ساخته و پرداخته دشمنان قسم‌خورده ارزش‌های بنیادین تمدن ایران و انقلاب اسلامی است.

چنین نگرشی چون همه بی‌مهری‌ها و ناملایمات را نادیده می‌گیرد و افق‌های بلندتری از آنچه در برداشت ظاهری مد نظر است، قرار می‌دهد؛ امید را در فرد شکوفا کرده و دستیابی به آن را تسهیل می‌کند.

"سیدروح‌الله" در جامعه ایران بی‌شمارند، افرادی تکنوکرات و با اعتقادی که در هر جایگاهی باشند اثرگذار، نقش‌آفرین و جریان‌ساز هستند. انسان‌های پاک‌ضمیری که به دنبال شکار فرصت‌ها نیستند بلکه خود عامل "فرصت‌سازی اقتضایی" برای رسیدن به چشم‌اندازها هستند.

در تفکر سیدروح‌الله، فعالیت‌های روزانه یادداشت نمی‌شوند، چون با یقین می‌دانند که اگر مسیر درست انتخاب شود، خروجی‌های حاصل، تصویر یا تصاویر بسیار زیباتری از آنچه بر روی کاغذ می‌توان آورد به نمایش خواهد گذاشت و ماندگار تر خواهد ماند.

سیدروح الله عجمیان سرانجام در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ هـ.م. داشته‌هایش - که خود روح الله بود - را در یک تراژدی اندوهناک اما ماندگار برای جهانیان به نمایش گذاشت و جان را در مسیری که عاشق و دل‌باخته آن بود به جان آفرین تسلیم کرد.

در این کتاب تلاش شده است تا شخصیت و افکار این جوان مؤمن، متقی تصویرسازی شود و در حد توان و اطلاعات موجود، ابعادی از روحیات و آرمان‌های او بیان شود.

از نام این کتاب در حدی که داشت مد نظر نگارندگان بوده است اول اینکه خون شهید سیدروح الله عجمیان‌ها، بها و ارزش امنیت است (خون‌بهای امنیت) و دوم اینکه، وقتی در نهایت تمامیت ارضی و آرمان‌های ملتی به مخاطره بیفتد بهای آن خون دادن و شهادت است (خون؛ بهاء اسین).

روحش ساد و یادش گرامی